مدیرعامل بنیاد روایت

با ضد جنگ مخالف نیستیم با ضد دفاع مخالفیم

■ علیرضا آل یمین

بنیاد روایت حدود سه ماه پیش جلسه‌ای را برگزار کرد با حضور هنرمندان عرصه تئاتر. در این جلسه نویسندگان، کارگردانان و بازیگران از سویی و از سوی دیگر جواد جباری مدیر عامل بنیاد روایت و حسین مسافر آستانه دبیر چهاردهمین جشنواره تئاتر مقاومت به بحث و گفت وگو در زمینه تئاتر انقلاب و دفاع مقدس پرداختند. برخی از هنرمندان معتقد بودند در شرایط کنونی باید به جنبه های مثبت و ارزشمند دفاع مقدس پرداخت و از سیاه نمایی پرهیز کرد. اما برخی دیگر نگاه منتقدانه به جنگ را مترادف با سیاه نمایی نمی دانستند. وجه اشتراک همه آدم های حاضر در جلسه از هنرمندان تئاتر تا مدیران فرهنگی، تعهد به آرمان های انقلاب اسلامی و ارزش های دفاع مقدس بود. با توجه به اهمیت نوع نگاه هنر به جنگ، گفت وگویی را با جواد جباری مدیر عامل بنیاد روایت که این روزها درگیر برگزاری چهاردهمین جشنواره تئاتر مقاومت است ترتیب دادیم که در پی می‌خوانید.

آیا به اهدافی که از برگزاری جلسه هم اندیشی با هنرمندان تئاتر داشتید رسیده اید؟

در رابطه با نشستی که با هنرمندان تئاتر داشتیم و نشست هایی که معمولا برگزار می‌شود مهمترین هدفی که داریم تعامل با هنرمندان حوزه تئاتر است. تلاشمان این است که حرف‌های هنرمندان را بشنویم و متقابلا مباحثی هم که ما در حوزه مدیریتی و حوزه تخصصی انجمن تئاتر داریم را با آن‌ها در میان بگذاریم. دیدگاه‌ها و نظراتشان را نسبت به برنامه‌هایی که در دستور کار داریم می‌گیریم. در این جلسات چون فضا کاملا صمیمی است، دوستان هر آنچه لازم می‌دانند را بدون در نظر گرفتن ملاحظه ای طرح می‌کنند. اصلا بنای ما در این جلسات این است که افراد را خیلی محدود به مطالبی که ما علاقه داریم حرف بزنیم نکنیم و خوشحال می‌شویم که مطالبشان را خیلی شفاف و صریح مطرح کنند و حتی اگر نقد هم دارند خیلی معترضانه مطالبشان را بگویند. ما نقطه نظراتشان را دریافت و استفاده می‌کنیم. بر خلاف جلسات تخصصی که بیشتر به سمت مباحث نظری و اجرایی می‌رود، در این نوع جلسات دوستان دردل هاشان را مطرح می‌کنند. احیانا اگر ناملایماتی هم در اجرا و تولید داشتند طرح موضوع می کنند و بحث می‌شود. ماحصل این جلسات در جهت همدلی و همفکری و همراهی خیلی تاثیرگذار است. همچنین دنبال این هستیم که برای سامان دهی تئاتر راهکارهایی را بیابیم.

دفاع مقدس و انقلاب مهمترین اتفاقات تاریخ معاصر کشورمان است. بازخورد این رخدادها در هنر و خصوصا در تئاتر اهمیت زیادی دارد. شما سال هاست جشنواره تئاتر دفاع مقدس و حالا مقاومت را برگزار می‌کنید. اما برای این‌که تئاتری ها میل باطنی داشته باشند که به طور روزمره روی این موضوع کار کنند چه تلاش هایی انجام شده؟

اولا درست است که یکی از فعالیت های جدی که در حوزه تئاتر انقلاب و دفاع مقدس می‌شود برگزاری جشنواره است، اما منحصرا کار به جشنواره ختم نمی شود. از جشنواره سیزدهم تا چهاردهم، فعالیت هایی که انجمن دربازه فعالیت‌های خودش داشت تولید متون بود. چون یکی از مشکلات اصلی ما در حوزه تئاتر بحث متن است، تلاش دوستان در این مدت این بود که بتوانند با معرفی آثار مرتبط با دفاع مقدس خصوصا ادبیات داستانی تلاش شود که بعضی از کارهایی که در این راستا تولید می شود اقتباسی باشد تا به واقعیت هایی که در جنگ ما با آن مواجه شدیم نزدیک شویم.

یعنی اقتباس از ادبیات داستانی؟

بله اقتباس ازادبیات داستانی که الحمدلله نسبتا در حوزه ادبیات داستانی کارهای خوبی در زمینه دفاع مقدس صورت گرفته، اما برای تبدیل شدنش به ادبیات نمایشی مشکلاتی داریم که این هم احتیاج به کارهای پژوهشی دارد هم تحقیقات میدانی و پژوهشی زیاد. در این زمینه یک مقداری کم کار شده. تبدیل کردن آثار داستانی به نمایشی اقتضائات خودش را دارد. خصوصا در حوزه مقاومت و دفاع مقدس و انقلاب در شخصیت پردازی‌ها بعضا با مشکلاتی مواجهیم که لازمه رسیدن به این موقعیت طرح جدی مباحث نظری است که در این زمینه اواخر سال گذشته نشست های تخصصی برگزار کردیم. مسئول این کار هم آقای دکتر خبری است که چنین نشستی را به صورت فصلی با بررسی‌هایی که در شورا می شود در دستور کار قرار دهد. بعضی اساتید و کسانی که در حوزه تئاتر مقاومت کار پژوهشی می کنند موضوعات را بررسی می‌کنند و به عنوان مقاله در جلسات ارائه می دهند. کسانی هم که علاقه‌مند هستند نقطه نظراتشان را ارائه می‌دهند. ماحصل این کار تاثیرات خودش را در دراز مدت خواهد گذاشت، اما صرفا به این محدود نمی شود. در طی سال گذشته حدود ۳۰ متن تولید شد که ماحصل تلاشی که عرض کردم بود. تعداد زیادی از این متن‌ها به زودی منتشر می شود.

این متون هم اقتباسی بوده اند ؟

هم اقتباسی بوده وهم متونی که دوستان ارائه داده بودند و در شورای بررسی متون مورد تایید قرار گرفت. این ها به زودی منتشر خواهد شد. شاید قریب هفت جلد منتشر شده تا آنجا که خاطرم هست نمایشنامه هایی که...

فقط نمایشنامه یا آثار پژوهشی هم هست؟

فقط نمایشنامه. نمایشنامه هایی که تولید و منتشر می شود به عنوان کارهای نمایشی مورد تاییدی که قابل نمونه برداری است.

این نمایشنامه ها تولید خودتان است؟

نیروهای خودمان نیستند.

منظورم این است که شما سفارش دادید؟

بله موضوعاتی که یا ما سفارش دادیم یا آنها پیشنهادهایی داشتند که هم جهت با موضوعات مورد نظر ما بوده، این ها حمایت و نوشته شد و در اختیار مجموعه قرار گرفت. تیم شورای بررسی متون ما که از دوستان هنرمند حوزه تئاتر هستند متون را بررسی کردند و از بین آثاری که دستمان بود فعلا هفت جلد را مشخص کردند که ان‌شاءالله چاپ خواهد شد .

خوب منظورتان از آثار قابل نمونه برداری چه بود؟

یعنی یک الگو سازی است برای کسانی که می خواهند در این فضا کار کنند. علاوه براین برخی از این کارها در بعضی از استان ها به اجرا در آمد و ماحصل کارهای اجرا شده در استانها برای حضور در جشنواره انتخاب شد. یعنی یک سلسله فعالیت‌ها و فرایندها برای رسیدن به کارهای ارزشی مورد تایید در حوزه تئاتر که از ایده تا اجرا اتفاق می افتد. به نظرم به مرور جای خودش را در جشنواره باز می کند و می تواند تاثیر خودش را از حیث حرفه ای بگذارد. ضمن اینکه امیدواریم که در جشنواره آینده این حلقه کامل شود. یعنی امسال تعدادی از آثار ما قبلا در استانها اجرا رفتند و از بین اجراهایی که برای عموم مردم رفته بود آثار شرکت کننده در جشنواره را انتخاب کردیم. در جشنواره بعد تلاشمان این است که همه آثار قبلا اجرا رفته باشد که این چند فایده دارد؛ یکی اینکه دغدغه اجرای کارها از بین رفته است. همیشه هنرمندان اعتراض می کنند که در جشنواره معمولا برای یک کار چند ماه زحمت کشیده می شود، بعد می آید در جشنواره دو یا سه اجرا می رود و بعد والسلام. تمام شد! این مقدمه اجرای کارها را حداقل در استان خودشان فراهم می کند. البته بعد از جشنواره می توان کارهای مطرح و اجراهای متفاوت را در نقاط مختلف برایشان تعریف کرد که این هم در دستور کارمان است. نکته بعدی این است که کار، هم از نظر محتوا و هم از نظر تکنیک کاملا پخته و جاافتاده می شود و با اجرای جشنواره ناپختگی و ایراداتی که دارد رفع و کار بهتری ارائه می شود. البته تلاشمان این است که کارهای پژوهشی دیگری هم در کنار این اتفاق بیفتد. در جشنواره چهاردهم یکی از کارهایی که برای توجه دوستان هنرمندمان در فراخوان لحاظ کردیم معرفی بعضی از کتاب‌ها بود که برای اقتباس نمایشی پیشنهاد دادیم. در این جشنواره هم یک گرایشی به این سمت پیدا شد ولی نه تمام، بلکه مقدمه ای بود برای ورود به این سمت. ان شاءالله در جشنواره بعد با در نظر گرفتن امتیاز برای کسانی که از ادبیات استفاده می کنند قطعا کار بیشتر سوق پیدا می‌کند به این سمت که ...

تاکید دارید بر اقتباس نمایش از ادبیات داستانی، در حالی که ادبیات نمایشی یک گونه ادبی است که می تواند مستقلا عمل کند. ادبیات داستانی درزمینه دفاع مقدس خوب کار کرده اما چرا این اتفاق در ادبیات نمایشی نمی افتد و وقتی می خواهد یک کار قوی در آن انجام شود باید چشم به اقتباس از داستان داشته باشیم؟ کجای کار ایراد دارد. من حدس می زنم در ذهن شما کتاب«دا» باشد که ممکن است یک نمایشنامه از آن در بیاید ...

یکی نه، ممکن است صدها...

بله صدها نمایشنامه، اما من می گویم چرا این اتفاق مستقلا در ادبیات نمایشی رخ نداده است. ایراد به نمایشنامه نویس ها وارد است یا عدم مدیریت صحیح ؟

این‌که ما تاکید می کنیم به بحث ادبیات داستانی بیشتر از این جهت است که یک ضعفی که در زمینه آثار نمایشی حوزه دفاع مقدس می‌بینیم این است که خیلی با جنس دفاع مقدس ما نزدیک و عجین نیست. ما برای رفع این مشکل به ادبیات داستانی اشاره می کنیم که آثار، علاوه بر قوه تخیلی که یک هنرمند باید در تولید اثر خود داشته باشد در عین حال مستند به بعضی از وقایع دفاع مقدس هم باشد و پیوندی بین واقعیت های دفاع مقدس و هنر تئاتر ایجاد شود. البته این در همه جای دنیا مرسوم است. خیلی از کارهایی که در دنیا در ادبیات نمایش تولید می شود مستند به آثار داستانی است. خیلی از رمان ها تبدیل به تئاتر شدند. با توجه به غنایی که نسبتا در حوزه ادبیات داستانی و کتاب هایی که از دفاع مقدس منتشر شده یک ارتباطی ایجاد کنیم. آن وقت خیلی از این دغدغه ها رفع می شود. یا حداقل هنرمندان ما خصوصا در حوزه تئاتر و خصوصا جوان تر ها که خودشان در دفاع مقدس حضور نداشتند احتیاج به مباحث و اطلاعاتی دارند که بر اساس آن ها به دفاع مقدس بپردازند. جنگ به معنای مطلق جنگ، هر کسی این را بشنود یک سری مطالب راجع به جنگ به ذهنش خطور می کند و اغلب هم مسائل منفی جنگ هستند که آثاری هم که به اصطلاح ضد جنگ هستند عمدتا از این دست کارها هستند. اما در واقعه ای که طی هشت سال بر کشورمان توسط دشمن تحمیل شد ما دفاع کردیم و این دفاع به علت ویژگی هایی که داشت شد دفاع مقدس. مطالبی درش نهفته که در خیلی از جنگ‌ها نیست، به همین دلیل هر کس می خواهد در این زمینه کار کند اول باید این ویژگی ها و نشانه های دفاع مقدس ما را خوب بفهمد آن وقت اثرش رنگ و بوی دفاع مقدس پیدا می کند.

ظاهرا منظور شما از ادبیات داستانی تاریخ شفاهی است چون در ادبیات داستانی باز هم تخیل نویسنده وجود دارد !

بله تخیل هست، عرض کردم خود ادبیات داستانی یک مرحله به کار نزدیک تر است. بله افراد بهتر است بروند کار پژوهشی و تحقیقی کنند اصل منابع را مطالعه کنند. از تیپ شناسی دفاع مقدس و خیلی چیزهایی که برای یک کار نمایشی لازم است استفاده کنند و خودشان خلق اثر کنند. برای اینکه مراحل از تولید به مصرف یک مقدار نزدیک تر شود تاکید داریم به سمت ادبیات داستانی بروند. در عین حال تاریخ شفاهی و بحث های دیگر هم همین طوراست. پیوند این دو، یکی از راه های برون رفت ما از وضعیت موجود است. الان هم که بحث جشنواره عنوان مقاومت پیدا کرده و گسترده تر است و موضوعات صرفا به دفاع مقدس مربوط نمی‌شود. بلکه مباحث زیادی در حوزه مقاومت وجود دارد که امروزه مورد توجه است خیلی ها عنوان دفاع مقدس را در هشت سال محدود می‌کنند و حال آنکه خُب، دفاع همچنان باقی است و ما امروز در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باید فضای مقاومت را داشته باشیم.

کلید واژه های دفاع، جنگ، ضد جنگ و مقاومت که گفتید، آیا این ها تعریف شده اند؟ وقتی به هنرمند می گویید دفاع مقدس کار کن کار ضد جنگ می نویسد چون مرزهای اینها کمی قاطی شده است. هنرمندان انگار در تشخیص دچار مشکل هستند و بحثی دیگر این که آیا ما می توانیم دفاع مقدس یا جنگ را نقد کنیم ؟

ما با کار ضد جنگ مخالف نیستیم، چون جنگ را تقدیس نمی کنیم. ما هم از جنگ صدمه دیدیم. ضد جنگ یا ترویج صلح در دنیا کار درستی است و ما هم از این کار تقدیر می کنیم. از دوستانی که در این حوزه کار می کنند. اما ما بحثمان این است که کارهای ضد جنگ را با کارهایی که دفاع مقدسی هستند اشتباه نگیریم. این دو تا مرزی بینشان است که اگر این مرز را مورد توجه قرار ندهیم به جای ضد جنگ می شود ضد دفاع مقدس. سیاست ما این است که نمایش هایی که مربوط به حوزه مقاومت و ارزش های دفاع مقدس است باید امید آفرین باشد. اولا این به عنوان تیتر اصلی در مجموعه کارهای تولیدی ما مد نظر است، ثانیا باید ارزش های دفاع مقدس و فرهنگ مقاومت را ترویج کند. فرهنگ مقاومت یعنی ترویج روحیه مقاومت در جامعه. اگر اثری تولید شود که خلاف این است یعنی در جهت تضعیف ارزش‌ها یا زیر سؤال بردن ارزش های دفاع مقدس مثل خانواده شهدا و جانبازان این ها از حوزه کار ما خارج است، چون ما دنبال ترویج این فرهنگ هستیم ...

حالا هنرمند می گوید من می خواهم کار ضد جنگ کنم، شما هم می‌گویید مشکلی با ضد جنگ ندارید ...

ضد جنگ ایراد ندارد ما حرفی نداریم اما مصادیقش مهم است، اگر ضد جنگ را بیاییم با نگاه منفی در مصادیق جنگ خودمان مطرح کنیم ضد دفاع مقدس می شود.

جنگ را هر طور که بخواهیم ضدش بنویسیم یا کار بکنیم می شود ضد دفاع مقدس. یک وقتی حمله آمریکا به عراق را بخواهیم کار بکنیم بله ضد جنگ است...

نه این طور نیست. ببینید وجه مشترک همه جنگ ها کشتار و تخریب و خسارت است، در هر نوعش یا تجاوز که در همه جنگ ها شاهدش هستیم. اما شما بیایید در جنگ خود ما که مقاومت کردیم، دفاع کردیم دشمن حمله کرد و ما در مقابل ایستادیم و امروز هم در صحنه های دیگر تلاش می‌کنند. این نکته ای که در رابطه با جنگ هست اگر صرفا به آن بحث های تخریب و جنایت هایی که در هر جنگی به واسطه استفاده ازامکانات و ابزار جنگی اتفاق می افتد، این می شود ضد جنگ. هیچ کس این را تایید نمی کند؛ در هر کجا باشد استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی مردود است. در هر کجا باشد، چه جنگ ما باشد چه جنگ صهیونیست‌ها. این بخش مشترک است، اینجا کسی حرفی ندارد. شما هر چقدر راجع به این، کار هنری کنید ارزشمند است. اما در دفاع مقدس یک اتفاقاتی افتاده که آن را متمایز می کند. ادبیات و نوع نگاه به این جنگ کاملا متفاوت با جنگ طلبی است. در مقابل دشمن بیرونی که یک کشور را تهدید می کند مردم نقش خودشان را ایفا می کنند. حضور مردم و ایثارها و از خودگذشتگی‌ها و آن وحدت و یکپارچگی که بین مردم ایجاد می‌شود یا آن ابتکارات و ابداعاتی که اتفاق می‌افتد این ها چیزهایی است که در دل این اتفاق این نوع رفتار را با نمونه های دیگر متمایز می کند.

مرز بین دفاع و ضد جنگ خیلی باریک است، بعضی جاها هنرمند می غلتد به سمت ضدجنگ. به عنوان نمونه کاری که شما اخیرا درگیر آن بودید، کارگردان می گوید من قصدم تخریب دفاع مقدس نبوده است ولی ظاهرا خروجی این طور نبوده. این مرز را چطور می توان مشخص کرد که هنرمند درگیر نباشد که من این کار را می کنم نتیجه‌اش چه خواهد شد.

البته کار ظریفی است. اصلا ویژگی هنر این است که با سلایق افراد و نگاه ها و برداشت های مختلف کاردارد. من نمی خواهم بگویم دوستانی که در این زمینه کار می‌کنند دنبال تخریب هستند. اشاره به تخریب کردم اما نه اینکه این ها با نیت تخریب کار می کنند، بلکه دنبال این هستند که با این موضوع یک اثر خوب ارائه بدهند ولی از نظر ماممکن است به این معنا باشد که این همسنگ یک کار ارزشی و متناسب با آن نیست. در کارهایی که ما به عنوان ترویج فرهنگ مقاومت و ارزش‌های دفاع مقدس داریم اگر همین عنوان کلی رعایت شود این کار در راستای ماموریتی است که ما دنبالش هستیم. ما می خواهیم این ها مطرح شود، در کنار این طبیعتا شاخصه هایی هم در می‌آید. اولا اینکه امیدآفرین باشد یعنی کسی که یک اثر هنری را می بیند از حضورش در صحنه های انقلاب احساس پشیمانی نکند. در غیر این صورت یک نوع ضد دفاع مقدس است. یا مثلا شهید را تخطئه بکند می شود ضد دفاع مقدس. جانباز را به جای اینکه انسان های مقاوم و از خود گذشته نشان دهد، روح امید، مقاومت و ایستادگی در این‌ها را تبدیل کند به انسان های پشیمان، این ضد دفاع مقدس می شود. شاید در بین صدهاهزار رزمنده‌ای که به جبهه رفته‌اند باشند کسانی هم که این حالت درشان باشد، اما آیا فرهنگ غالب این است؟ قطعا این طور نیست. ضمن اینکه هر اثر هنری موقع شناس هم باید باشد. امروز در این شرایط فعلی که دشمنان مترصد ضربه زدن هستند. این موقع شناسی از بحث های اصلی است.آنچه ما به دنبال تقویت و ترویج آن هستیم آثاری است که باید جنبه‌های مثبت دفاع مقدس را نشان دهد. یعنی نیاز امروز جامعه ماهمان چیزی که در روند دفاع مقدس وجود دارد. نگاه منصفانه هم قطعا همین است.

در پایان اگر مطلبی هست بفرمایید.

آرزوی موفقیت برای شما می کنم.

نگاهی به یک واقعیت رسانه ای در روزهای پر تلاطم جامعه وسیاست

فصل مستندهای سیاسی بهار می شود؟

■ سیاوش رسولی

بحث تولید مستند در تلویزیون همیشه یکی از دغدغه های اصلی درباره رسانه ملی بوده است. موضوعی که اهمیت آن طی سال‌های گذشته بارها بر آن تاکید شده ، اما هنوز آن چنان که باید به آن توجه نشده و به نوعی بودجه کافی برای آن اختصاص نیافته است.در همین زمینه چند سالی هست که رسانه ملی در دو حوزه اجتماعی وسیاسی مستندهایی تولید می کند.اما به نظر می‌رسد که هنوز بلوغ آن چنانی که باید در حوزه مستند سیاسی رخ نداده و این درحالی است که این حوزه فضای کار بسیار زیادی دارد.

در همین باره چند سئوال مطرح است.اولین سؤال آنکه چرا هنوز آن‌چنان که باید مستندهای سیاسی به روز درباره موضوعات به روز جهان ومسائل داخلی تولید نمی شود؟سؤال دوم این که سهم مادی مستندهای سیاسی در رسانه ملی چه اندازه است؟

احمد قدیری،استاد دانشگاه وکارشناس ارتباطات دراین باره می‌گوید:درباره اینکه چرا مستندهای سیاسی رسانه ملی هنوز به بلوغ نرسیده باید به دو موضوع اشاره کرد؛نخست اینکه ما به زمانی برای افزایش سطح معلومات فنی وعلمی مستندساز سیاسی نیاز داریم.در مرحله دوم باید به گروهی که به این امر مبادرت می ورزند نگاه کرد.به صورتی که باید به تخصص افرادی که دراین باره فعالیت می کنند توجه کافی شود.تردیدی نیست که برای داشتن مستندهای قوی ما نیاز به حضور افرادی به عنوان مستندساز سیاسی داریم که اولا دراین باره تخصص علمی داشته باشند و ثانیا از تسلط کافی فنی در این حوزه برخوردار باشند.به واقع یک مستند سیاسی مطلوب در شرایطی تولید می شود که ابتدا کارشناس-نویسنده قوی، طرح ونریشن آن را بنویسد و پس از آن کارهای فنی و تدوین در اختیار فردی توانمند در این حوزه باشد.

مستند سیاسی در پاییز!

با توجه به صحبت های این استاد دانشگاه، به نظر می رسد که مستند سیاسی همچنان در رسانه ملی آن چنان که باید در جایگاه جدی قرار نگرفته است. چرا که با توجه به دیگر رسانه ها در جهان مستندهای سیاسی در صورت قرار گرفتن در جای شایسته خود می توانند به شدت تاثیر گذار باشند.آن چنان که این محصولات رسانه ای می توانند با توجه به محتوا و به کارگیری عناصر مناسب نقش خود را در ایجاد بینش سیاسی برای مخاطب به وجودآورند.

احمد قدیری، دراین باره خاطرنشان می سازد: فراموش نکنیم که امروزه عصر مولتی مدیاست.به شکلی که محصولات چند رسانه ای می‌توانند بسیار موثرتر از هزاران خبر و متون نوشتاری باشند.با توجه به همین مسئله می‌توان به عرصه مستند سیاسی نگاه تازه ای داشت.به هر حال جامعه امروز ایران،جامعه ای سمعی وبصری است.باید برای این جامعه از طریق مولتی مدیا خوراک فکری ایجاد کرد.خوراک فکری که بتواند ترکیبی از حوزه های دیگری در کنار حوزه سیاسی باشد.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این سئوال که منظور از ترکیب حوزه های سیاسی با دیگر حوزه ها مانند اجتماعی و اقتصادی در مستندهای سیاسی چیست؟این گونه پاسخ می دهد:به طور مثال هنگامی که می خواهیم درباره وضعیت حقوق بشر در غرب یک مستند سیاسی بسازیم می توانیم این گونه به موضوع نگاه کنیم که همزمان با بیان مسائل سیاسی موجود در راس هرم قدرت کشورهای غربی،تصاویری از بی خانمانی شهروندان این کشورها نیز به نمایش درآید.این گونه می توان به مخاطب همزمان چندین مفهوم را در حوزه های مختلف علاوه بر حوزه های سیاسی منتقل کرد.این موضوع در بسیاری از سوژه های سیاسی مطرح است ومی توان از این ظرفیت های مستندهای سیاسی بهره برد.البته همه اینها به شرطی است که هزینه های مستند سازان به خوبی تامین شود.طوری که افراد متخصص دراین زمینه انگیزه گام برداشتن به سمت تولیدات بیشتر و متنوع تر را داشته باشند.

دراین میان تا به امروز جدا از برخی کاستی ها و مشکلات، مستندهای سیاسی خوبی هم تولید شده است.مستندهایی که درباره سازمان های سیاسی و گروهک ها تولید شده از این دست مستندها هستند.برخی‌ها براین باورند که با توجه به موفقیت های این مستندها باید به دلایل موفقیت‌های آنان و فاکتورهایی که رعایت کرده اند توجه کرد تا بتوان این موفقیت ها را تکرار نمود.

از انتخاب موسیقی تا حمایت از ایده

سهیل سماوات،کارشناس ارتباطات در باره شاخص هایی که در این باره تاثیر داشته اند به چند مسئله اشاره دارد:

یک؛ انتخاب موسیقی متن خوب؛انتخاب دراین بخش هر چند کار

سخت و دشواری است اما بسیار تاثیر گذار خواهد بود.برخی از مستند سازان به موسیقی متن توجه خاصی ندارند، اما دقیقا در اشتباه هستند.چرا که موسیقی متن می تواند روان مخاطب را در اختیار متن مستند قرار دهد.به شکلی که مسائلی که دراین مستند مطرح می شود درآمیخته با موسیقی متن،بسیار اثر گذار خواهد بود.عصر امروز، عصر مولتی مدیایی است که به بهترین نحو ممکن فاکتورهای سمعی وبصری را با هم آمیخته باشد.

دو؛ توجه جدی به محتوا:بعد جدی ماجرا که تاکنون همیشه مورد غفلت واقع شده موضوع محتوایی مستندهاست. به واقع در مستندهای سیاسی نسبت به کاری که باید صورت بگیرد و محتوایی که باید مهیا شود پرداخت مادی مناسبی به کارشناسان نداریم.در بسیاری از کشورهای غربی به این مسئله اهمیت جدی داده می شود.به همین دلیل هم مستند سازان از تهیه کنندگان محتوای مستند و به نوعی کارشناسان آن انتظار مطلوب دارند.اگر بخواهیم صریح صحبت کنیم باید اشاره داشت که در ایران در برخی مواقع مستندهای سیاسی بیشتر حالت رفع تکلیف دارند.به شکلی که حتی گاهی اوقات تهیه کننده سرمایه های اصلی را از سازمان دریافت می کند اما حق واقعی و مطلوب کارشناس وتهیه کننده محتوای مستند را به او پرداخت نمی کند.

سه؛ حمایت از ایده ها: بند سوم ماجرا بیش از هر چیز به تلاش مسئولان ارتباط دارد.چرا که در برخی اوقات دیده شده که مستندهای سیاسی به ورطه تکرار بیش از حد موضوع آن هم از یک زاویه خاص افتاده است.دلیل این امر در وارد نشدن نیروهای تازه با ایده های تازه به این عرصه نهفته شده ودلیل این عدم ورود را باید در حمایت نکردن از ایده ها جست وجو کرد.

مستندهایی که با روان مخاطب بازی می کنند!

در کنار این صحبت ها به نظر می رسد که هنوز برخی دست اندرکاران رسانه وعرصه کلان سیاسی کشور به اهمیت مستندهای سیاسی پی نبرده‌اند. در این باره بسیاری از کارشناسان رسانه با اشاره به بحث اهمیت محتوای مستندهای سیاسی از تاثیرات شگفت آور روانی آن می گویند.

احمد قدیری،کارشناس ارتباطات و رسانه، دراین باره با اشاره به بازی روانی رسانه های بیگانه می گوید:تردیدی نداشته باشیم که این روزها رسانه‌هایی مانند بی بی سی و صدای آمریکا اگر بخواهند اهداف خاص سیاسی را دنبال کنند و مسائل خاصی را به مخاطب ایرانی انتقال بدهند راه مستند را برمی گزینند.مستندهای جدی که با ادبیات جدید و نرم تولید می شود.نمونه بارز این موضوع را می توان در مستندهایی مشاهده کرد که در چند سال اخیر از سوی این رسانه ها درباره تحولات داخلی ایران تولید شده است.

قدیری همچنین به موضوعات روانشناختی این مستندها اشاره داشته ومی افزاید:این رسانه ها از ابتدایی ترین مسائل ساخت این مستندها بر فکت های قابل توجهی تمرکز می کنند.این فکت ها دقیقا ترکیبی از ایجاد تمرکز مخاطب در موضوعی خاص وانتقال پیام مورد نظر به مخاطب در خلال ایجاد این تمرکز است.این مسئله به عینه دیده شده که این رسانه‌ها در تولید مستندهای خود اصل حرکت غیر مستقیم را در نظر می‌گیرند. به شکلی که مخاطب در پایان تماشای این محصولات بدون اینکه متوجه شوند، زاویه دید جدیدی نسبت به آن موضوع خاص پیدا می کند.این مسئله دقیقا بیانگر اهمیت یک مستند سیاسی است.مستندهایی که در کشور ما به آن توجهی نمی شود.حتی مراکز مهم سیاسی هم باید به این محصولات توجه ویژه ای داشته باشند.باید سرمایه گذاری جدی دراین حوزه صورت بگیرد وهمچنین از نویسندگان و تحلیل گرانی که دراین حوزه بخواهند فضای تازه ای ایجاد کنند حمایت شود.

درباره موضوع سوم یعنی حمایت از ایده ها ،سهیل سماوات، مدرس علوم ارتباطات براین باور است که حوزه سیاست و رسانه امروز به کسانی نیاز دارد که بتوانند به طور تخصصی وارد فضا شوند و این حوزه را به عنوان شغل ثابت و همیشگی در نظر بگیرند.

این پژوهشگر ارتباطات در ادامه می افزاید:دراین صورت می توان امید داشت که هر ساله محصولاتی با کیفیت درموضوعات گوناگونی که زیرمجموعه این حوزه هستند تولید شود.در بسیاری از کشورهای غربی این اتفاق رخ می دهد.شبکه هایی مانند بی بی سی، صدای آمریکا و فرانس ۲۴ و به طور کلی تراست های خبری دقیقا چنین افرادی دارند.این افراد به دلیل آرامش مالی که در ازای کار خود دارند در طول سال به سوژه های جذاب حوزه سیاست می پردازند و از این طریق سعی در جلب نظر مخاطب والقای مسائل خود دارند.در واقع اگر تاثیر گذاری در این گونه محصولات وجود دارد، به دلیل کار حرفه ای و برنامه ریزی پژوهشی برای آن است.

یادداشت

یک نیاز روشن

■ پژمان کریمی

در تعریفی ساده و روشن؛ سینمایی را می‌توان مطلوب توصیف کرد که نسبت به تشریح و گسترش ارزشهای الهی، دلبستگی تام و دغدغه دارد!

سینمای دغدغه‌مند؛ لاجرم سینمای سیاسی است. چون نمی‌توان رو به ارزشهای الهی (اسلامی) داشت و در عین حال به عرصه سیاست بی‌اعتنایی کرد. نمی‌توان خدمت به بندگان پروردگار جهان را ستود و هدف تأکید و تحسین قرار داد و در همان حال؛ از ستم نگفت و جور ستمگران را محکوم نکرد و به دفاع از مظلومان به پا نخاست. نمی‌توان از ضرورت اعمال و حاکمیت ارزشها گفت و سیاست را وسیله‌ای برای جلوه و غالب شدن ارزشهایی چون امر به معروف و نهی از منکر ندانست.

سینمای دغدغه‌مند؛ نیازمند سینماگر دغدغه‌مند است. سینماگر دغدغه‌مند از «خود» و «خویشتن» در می گذرد و یکسر به جامعه بشری می‌اندیشد! از حدیث نفس فاصله می‌گیرد! سینما را بهانه و شیوه و وسیله‌ای می‌پندارد که می‌توان با آن در راه شرح و بسط ارزشها گام برداشت. سینماگر دغدغه‌مند، سینما و اساسا هنر را یک سلاح سنگین و مؤثر یافته است که در سنگر عشق، در جبهه اندیشگی و روبه مخالفان اندیشه‌ورزی و موافقان و آمران و عاملان جور و نادانی و تاریکی، کاربرد جدی دارد.

سینمای دغدغه‌مند، سینمای «بهنگام» و «به روز»ی است که؛ با تلألوی بصیرت سینماگر دغدغه‌مند، مخاطب و بینش مخاطب را به همراه زمان و اقتضائات تاریخی، پیش می‌برد!

سینمای دغدغه‌مند و سینماگر اهل دغدغه، نیازی است که سینمای ایران بدان مبتلاست!

چشمداشت ما از سینمای ایران این بود و هست که متأثر یا به تأسی از انقلاب اسلامی، دغدغه‌مند آشکار شود!... این دغدغه‌مندی را نمی‌بینیم؛ بی‌تعارف!

به کارنامه هنر هفتم سرزمین‌مان نگاه کنید!

این کارنامه، تا چه اندازه، از نگاه دردمندانه نسبت به دردها و رنجهای بشر مظلوم حکایت می‌کند؟ تا چه حدی راوی دلمشغولی‌های انسان اندیشه‌ورز است؟ مصائب بشری تا چه اندازه‌ای هدف قرار گرفته است؟

سینمای خاموش در برابر رویدادها و دگرگونی‌های تاریخی و سینمای غیرسیاسی و سینمای حدیث نفس، سینمای سترون است! اساسا با ماهیت انقلاب، همخوان نیست. افق استراتژیک فرهنگی ما را نمی‌سازد و نباید هم بسازد.

دین ما، انقلاب ما، نظام سیاسی ما، به سینمای دغدغه‌مندی نیاز دارد ! چون انقلاب و نظام سیاسی، برخاسته از دغدغه است!

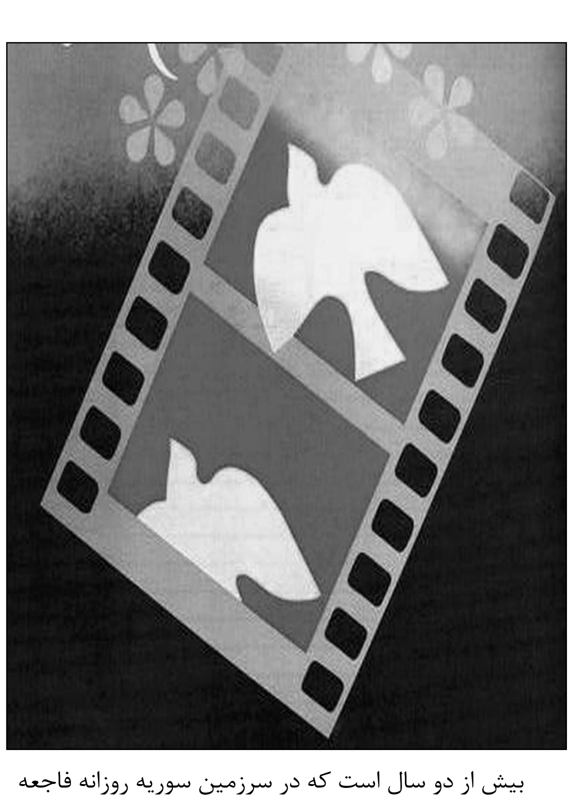

بیش از دو سال است که در سرزمین سوریه روزانه فاجعه انسانی روی می‌دهد!

کودکان و زنان بی‌رحمانه هدف گلوله قرار می‌گیرند. سر پیر و جوان و کودک، زن و مرد، دختر و پسر، بریده می‌شود. انسانیت سلاخی می‌شود. تنها به یک جرم: انسان غیرتکفیری‌اند! انسان مسلمان‌اند! بیش از دو سال است که زشت‌ترین جلوه‌های کفر و عناد و رذالت، پیش‌روی ماست. فاجعه انسانی سوریه [یا بحرین یا هر نقطه دیگر دنیا] در سینمای سرزمین‌مان، چه نمودی داشته ودارد؟

ای کاش کم‌کاری می‌کردیم!... ما بی‌اعتنایی کردیم! ما راحت از کنار فاجعه، عبور کردیم!

مستندسازانی چون شهیدان هادی باغبانی و... حیدری، هنرمندانی بودند که نه در سینما بلکه بیرون از این حیطه، بر پایه دغدغه دینی، دوربین به دست گرفتند تا در مقام راوی رسالت بشر مؤمن آشکار شوند!

سینماگران حرفه‌ای ما، در کجا و در کدام اقتضای جغرافیایی، ایستاده‌اند و چشم به رسالت یک هنرمند واقعی دارند؟

هنرمندی مثل رضا برجی، در عراق در جنگ دوم خلیج‌فارس، دچار موج انفجار شد و جراحتی دیگر برداشت!

سینماگر ما که برای هنرمند شأن بیدارگر و آگاه‌کننده قائل است، یک بار جا پای مستندسازان بیرون از حیطه سینما، می گذاشت؟ ...آیا گذاشت؟... خب نگذاشت و نخواهد هم گذاشت!

سینمای دغدغه‌مند، هنرمند دغدغه‌مند می‌خواهد! جسارت و دلیری می‌خواهد! درد می‌خواهد! گذشت می‌طلبد!

در برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی کشورمان، دغدغه‌مندی در حوزه هنر هفتم، چگونه تعریف شده است؟... برای مجال‌دهی به دغدغه‌مندان و فتح حوزه یاد شده به دست حماسه‌سازشان، چه تدبیری شده است؟... نگران بشویم: هیچ!